

تحلیل ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی ساکنان بافت تاریخی شهر ارومیه^۱

هیوا اسدی - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

فریدون نقیبی* - استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

اصغر عابدینی - دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

چکیده

در فرایند برنامه‌ریزی شهری، توجه به مباحث اجتماعی جزء جدایی‌ناپذیر طرح‌های شهری محسوب می‌شود؛ چرا که انسان‌ها در تعامل با فضاهای شهری به‌عنوان محیطی پاسخگو به نیازها و فعالیت‌هایشان به آن‌ها معنا می‌بخشند و سرانجام به آن‌ها دلبسته می‌شوند که در این صورت پایداری اجتماعی در فضاهای شهری نمود می‌یابد. پایداری اجتماعی، فرایندی برای ایجاد مکان‌های پایدار و موفق، در واقع به معنای ارتقای کیفیت زندگی و درنهایت توانمندسازی اجتماعات محله‌ها است. هدف اصلی پژوهش، تحلیل ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی ساکنان بافت تاریخی شهر ارومیه است. رویکرد حاکم بر پژوهش از نظر هدف کاربردی و به‌لحاظ روش‌شناسی «توصیفی-تحلیلی» است. به‌منظور گردآوری داده‌ها، از مطالعات و اسناد کتابخانه‌ای و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای، تحلیل واریانس یک‌طرفه، آزمون کولموگروف اسمیرنوف و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد بافت تاریخی ارومیه از پایداری اجتماعی و معیارهای آن (هویت، مشارکت، ایمنی، امنیت و کیفیت زندگی) برخوردار است و تنها معیار سرمایه اجتماعی در این محدوده از وضعیت مناسبی برخوردار نیست؛ زیرا میانگین آن کمتر از حد متوسط است. این آزمون نیز نشان می‌دهد میزان دلبستگی مکانی از نظر شهروندان، مطلوب ارزیابی شده است و بافت در وضعیت مناسبی قرار دارد. همچنین مطابق نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه، میانگین معیارهای پایداری در بافت تاریخی ارومیه با هم متفاوت هستند و بین آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف بیانگر آن است که متغیرهای پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی نرمال است. یافته‌های آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان‌دهنده آن است که بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی بافت تاریخی شهر ارومیه همبستگی وجود دارد. شدت همبستگی به‌دست‌آمده متوسط و جهت رابطه بین آن‌ها مثبت و مستقیم است.

واژه‌های کلیدی: بافت تاریخی، پایداری اجتماعی، دلبستگی مکانی، شهر ارومیه.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه خانم هیوا اسدی با موضوع بررسی تأثیر نقش پایداری اجتماعی در دلبستگی مکانی ساکنان بافت فرسوده شهر ارومیه در دانشکده معماری، شهرسازی و هنر دانشگاه ارومیه است که با راهنمایی دکتر فریدون نقیبی و دکتر اصغر عابدینی انجام گرفته است.

مقدمه

مهم‌ترین دغدغه‌ای که تعمق و توجه جدی صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان شهری را به مفهوم توسعه پایدار جلب کرده، رشد شتابان شهرنشینی در جهان امروز و تداوم پیامدهای آن برای ساکنان این مناطق است (سرای و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۹). از این رو در ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه، از دهه ۱۳۴۰، شهرنشینی ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و رشد شتابان شهرنشینی آغاز شده است. این روند، غالب‌شدن الگوی سکونت شهری، به‌خصوص طی سه دهه گذشته جامعه ایران را دستخوش تحولات زیادی کرده و زمینه‌هایی را برای ناپایداری شهری در جنبه‌های مختلف (به‌ویژه اجتماعی) و ظهور پدیده‌هایی نظیر کودکان کار، بزهکاری اجتماعی، سرقت، زورگیری و غیره به‌خصوص در کلان‌شهرها فراهم آورده است که موجب هدررفتن سرمایه‌های مادی و معنوی، و تشدید مشکلات و ناهنجاری‌های شهری شده است؛ بنابراین از جانب شهرسازان و متفکران اجتماعی مباحث جدیدی برای مقابله با این تحولات پیشنهاد شد که یکی از آنها پایداری اجتماعی^۱ است که به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از توسعه پایدار، در تحقق اهداف توسعه اهمیت زیادی دارد (مافی و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۶: ۶۴). پایداری اجتماعی بر خواست مردم به زندگی در مکانی مشخص و توانایی آنان در استمرار چنین روندی، چه در زمان حاضر و چه در آینده، تأکید می‌کند (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۷). پایداری اجتماعی فرایندی برای ساخت مکان‌های پایدار و موفق است که سبب ارتقای سلامت می‌شود (Woodcraft, 2015: 133). دلبستگی به مکان را می‌توان نسبتاً پایدار دانست؛ چرا که معیار پیوند بین یک فرد یا گروه و یک مکان یا محل اقامت خاص تعریف شده است (Hudson, 2021: 4-5). در واقع دلبستگی به مکان به معنای پیوندی ادراکی، احساسی و عملکردی بین افراد و مکان‌هایی است که در فرایند تعامل با آن، معنای خاص و ارزشمندی را به آن بخشیده‌اند و این پیوند به‌صورت رفتارها و کنش‌هایی مانند تمایل به حفظ نزدیکی به مکان، حزن و اندوه ناشی از جدایی و دوری از مکان و حمایت اجتماعی از آن دیده می‌شود (حق‌پرست و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰). تضعیف پیوند انسان با مکان سکونت، ناشی از عوامل نظیر شهرگرایی سریع و شتاب‌زده قرن بیستم، مالکیت اتومبیل و گسترش نقل و انتقالات سکونتی، بروز مشکلات زیست‌محیطی، افزایش فاصله محیط کار-سکونت، جهانی‌سازی ارتباطات، صنعتی‌شدن و غیره است که دلبستگی‌ها و پیوندهای اجتماعی-محلی را کاهش داده است. فضاهای مسکونی امروز از درک روح انسانی و تعلق اجتماعی دور شده‌اند. به همین دلیل توجه به پایداری اجتماعی و دلبستگی ساکنان به مکان، به‌ویژه در محله‌های تاریخی و مباحث شناختی، یکی از ضرورت‌های مهم در طراحی محیط‌های مسکونی است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴). تحقیقات نشان می‌دهد دلبستگی به مکان نقش مهمی در انگیزه حضور و مراقبت از فضاهای عمومی ایفا می‌کند و مبنای نحوه ارتباط و تعامل عاطفی مثبت انسان با فضا است. این احساس با خصوصیات فردی، جمعی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد و سبب علاقه بیشتر به مکان می‌شود (کریمی مشاور و نیکوخوی، ۱۳۹۷: ۷۶).

برخی محققین در مطالعات خود به ارزیابی و تبیین میزان عوامل مؤثر بر نقش ابعاد دلبستگی مکانی در شکل‌گیری هویت فضایی جدید محله‌های شهری، براساس ظرفیت سازگاری شهروندان از دیدگاه‌های مسکونی شهری مدرن

پرداختند. همچنین معیارهای اصلی پیوست محل در خانه، محله و شهر را بازشناسی و دلبستگی مکانی را در زمینه عوامل فضایی و ارتقای دلبستگی مکانی در فرایند بازآفرینی شهری تجزیه و تحلیل کردند (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، پورجعفر و خبیری، ۱۳۹۳، زمانی و هنرور، ۱۳۹۵، Heidari et al., 2016, Kim et al., 2017, Darby and Özata, 2017, Mahmoudi et al., 2018, Gheimati et al., 2020). همچنین دیگر محققان به تبیین نقش مدیریت محله‌ای و سنجش عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی در محله‌ها و محله‌های پراکنده‌رو و در نظر گرفتن دستورالعمل‌های پایداری اجتماعی-فرهنگی برای طراحی محله پرداختند و مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی را براساس دیدگاه ساکنان در مجموعه‌های مسکونی شناسایی کردند. در نهایت نیز چالش‌های پایداری اجتماعی را بررسی کردند (هادیزاده زرگر، ۱۳۹۱، علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳، غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶، راکمی بناب و همکاران، ۱۳۹۶، توانا و نوریان، ۱۳۹۶، پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷، Cuthill, 2010, Vallance et al., 2011, Dempsey et al., 2010, Kesseiba and El-Husseiny, 2012, Fatani et al., 2017).

براساس نتایج پژوهش‌های حوزه پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی، پایداری اجتماعی شهرها در گرو دستیابی به توسعه معیارهای هویت، مشارکت، ایمنی و امنیت، کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی و دسترسی به منابع و غیره و دلبستگی مکانی در سه مقیاس خانه، محله و شهر است. توسعه یکپارچه و ایجاد انسجام، توازن و هماهنگی میان معیار-های پایداری اجتماعی زمینه تحقق آن را در سه مقیاس متفاوت فراهم خواهد کرد. مواردی که به اهمیت این پژوهش اشاره می‌کند، عبارت‌اند از ۱. در حوزه موضوعی، ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی تحلیل می‌شود؛ ۲. در حوزه موضعی، دلبستگی مکانی در مقیاس محله‌های بافت تاریخی شهر ارومیه برای اولین بار در مطالعات مرتبط به منظور ارزیابی پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی انتخاب شده است؛ ۳. معیارهای کارکردی و کاربردی پایداری اجتماعی را به کار می‌گیرد.

دلبستگی به مکان یکی از مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است که در خلال فرایندهای روان‌شناختی و تأثیر عوامل فردی و محیطی شکل می‌گیرد. دلبستگی‌های مکانی پیوندهای محکم با مجموعه‌های «فیزیکی و اجتماعی هستند که هویت را تقویت می‌کنند و مزایای روان‌شناختی دیگری را نیز فراهم می‌سازند» (Brown et al., 2003: 259). طی سال‌های اخیر، کاهش شدید جمعیت در بافت تاریخی، تنزل سطح توزیع خدمات و تسهیلات شهری و بالطبع تشدید ناپایداری اجتماعی مدیران، مسئولان و اندیشمندان شهری را بر آن داشته تا از طریق هویت‌بخشی به بافت‌های تاریخی و ارتقای کیفیت محیطی آن، میزان دلبستگی مکانی و کیفیت زندگی شهری را در بافت‌های شهری بهبود بخشند و زمینه‌های تقویت پایداری اجتماعی و ابقای شهروندان را فراهم سازند. بافت تاریخی در بیشتر شهرها هسته اولیه شکل‌گیری شهر را شامل می‌شود و به دلایلی مانند مرکزیت برای وحدت و هویت‌بخشی به پیکره شهر، دارای اهمیت خاصی است و زندگی سالم و روان را در یک شهر تضمین می‌کند. یکی از موضوعات قابل مطالعه در جهت شناخت شهر و نحوه شکل‌گیری آن، مطالعه بافت تاریخی و قدیمی شهر است؛ بنابراین برای هرگونه حرکت عمرانی، نخستین گام، شناخت بافت تاریخی شهر است. بافت تاریخی شهر ارومیه در مرکز اصلی شهر قرار دارد و در طول زمان ساختمان‌های اداری و تجاری اصلی شهر را در خود جای داده است که شامل بیشتر ساختمان‌های قدیمی شهر نظیر بازار

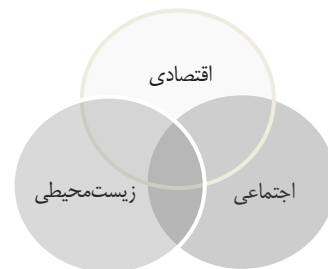
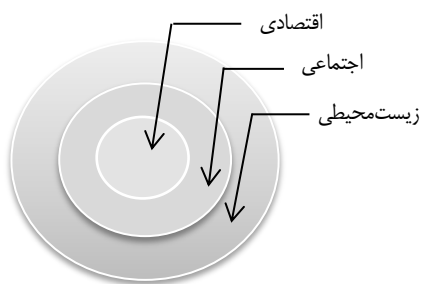
تاریخی، مسجد جامع، مسجد سردار، کلیسای ننه مریم، مدرسه هدایت و خانه انصاری است و به دلیل مرکزیت و برخورداری از اماکن تاریخی، یکی از محدوده‌های بسیار مهم شهر محسوب می‌شود. با وجود افزایش جمعیت شهر ارومیه از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵، جمعیت بافت تاریخی این شهر طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ کاهش چشمگیری داشته است. از دلایل کاهش جمعیت و گرایش افراد به سکونت در خارج از محدوده مرکزی شهر، تغییر تدریجی عملکرد محدوده از مسکونی به تجاری-خدماتی، دسترسی نداشتن به مراکز تفریحی و نزول کیفیت فضاها و زیرساخت‌های شهری در اثر گذر زمان است. در نتیجه ساکنان بافت تاریخی تمایلی به ادامه زندگی در این بافت‌ها ندارند. به همین خاطر این افراد برای ارتقای کیفیت زندگی و برخوردار شدن از خدمات مناسب شهر، به نواحی شهر می‌روند. از این رو مهاجرانی که به شهر آمده‌اند، در بافت‌ها جایگزین این افراد شده‌اند و پیوندهای عاطفی میان مردم و مکان از بین رفته و همین عامل سبب ناپایداری اجتماعی در بافت‌های تاریخی شده است؛ چرا که در این بافت‌ها قشری با آداب و رسوم، مذهب، زبان و فرهنگ متفاوت سکنی می‌گزینند که موجب می‌شود بافت از لحاظ پایداری اجتماعی دچار مشکل شود. یکی از عوامل مؤثر در دلبستگی مکانی، پایداری اجتماعی است. در بافتی که از لحاظ اجتماعی پایدار نباشد، دلبستگی مکانی میان ساکنان از بین می‌رود. جابه‌جایی در سطح شهر نیز به نوبه خود موجب بروز مسئله ناپایداری اجتماعی می‌شود. ادامه این روند تهدید مهمی برای بافت اجتماعی و به دنبال آن فضای شهری محدوده بافت تاریخی شهر ارومیه است. با توجه به نکاتی که گفته شد، ارومیه یکی از شهرهایی است که با گسترش بی‌رویه شهرنشینی، بافت‌های محله‌ای آن تغییر کرده است. محدوده مورد مطالعه یعنی بافت تاریخی شهر ارومیه در بخش مرکزی شهر که قلب تپنده شهر محسوب می‌شود، از این مسئله مستثنا نیست. تحقیق حاضر ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی ساکنان بافت تاریخی شهر ارومیه را بررسی و تحلیل می‌کند. به علاوه اهداف فرعی پژوهش از جمله بررسی معیارهای پایداری اجتماعی، بررسی وضعیت دلبستگی مکانی ساکنان و همچنین تحلیل ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی ساکنان بافت تاریخی ارومیه را نیز مدنظر دارد.

مبانی نظری

دلبستگی مکانی^۱: طرح مفهوم دلبستگی مکانی به دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که علاقه‌مندی‌های اولیه به مطالعات پدیدارشناسی ظهور پیدا کرد، مانند مطالعات بچلارد در سال ۱۹۶۴ و ایلی‌اید در سال ۱۹۵۹. بچلارد و ایلی‌اید بر تجارب احساسی و پیوندهای مردم با مکان‌ها به‌ویژه خانه و مکان‌های مقدس تأکید کرده بودند (Van Der Graaf, 2009: 36). این موضوع در سال‌های اخیر توجه بسیاری از اندیشمندان را در حوزه‌های مختلفی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، جغرافیای انسانی، معماری، برنامه‌ریزی و طراحی شهری به خود جلب کرده است. بخش عمده این توجه روزافزون به دلیل سست شدن روابط افراد-مکان ناشی از گسترش پدیده جهانی‌شدن، افزایش امکان جابه‌جایی و تهدید روزافزون محیط‌زیست است که افراد با آن در ارتباطاند (Raymond et al., 2011: 328). دلبستگی به مکان مفهومی چندبعدی، پیچیده و بین‌رشته‌ای است که جوانب مختلفی از پیوند افراد با مکان را در هم می‌آمیزد (دانش‌پور و همکاران،

۱۳۸۸: ۳۸). پیوستگی به مکان به طور کلی به معنای پیوند بین افراد و مکان‌های معنی‌دار است که معمولاً پیوند عاطفی با این مکان‌ها را در برمی‌گیرد (Wallis, 2020: 18). مطالعات فراوانی در زمینه دلبستگی به مکان انجام شده است و مقیاس‌های مختلفی نظیر خانه، محله، شهر و کشور و غیره مطالعه شده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد دلبستگی به مکان نقش مهمی در انگیزه حضور و مراقبت از فضاهای عمومی نظیر میدان‌ها و پارک‌های شهری ایفا می‌کند (Jorgensen & Stedman, 2001: 235). دلبستگی به مکان به دلیل علاقه، شناخت و تجربه فرد از مکان، براساس ویژگی‌های فردی، گروهی و فرهنگی مختلف و ارتباطات اجتماعی بین آن‌ها ساخته می‌شود (Altman & Low, 1992) و بر رضایت بازدیدکنندگان از یک مکان تأثیرگذار است (Prayag & Ryan, 2012).

رویکردهای نظری مختلف در تفسیر پایداری وجود دارد. رویکرد رایج برای پایداری به سه ستون اشاره دارد: محیط‌زیست، جامعه و اقتصاد. استفاده از مفهوم ستون نشان می‌دهد توسعه پایدار تنها زمانی می‌تواند به دست آید که هر ستون در توافق با دو ستون دیگر ارتقا پیدا کند (Krstić & Avramović, 2018: 197). در واقع توسعه پایدار، رویکردی جامع برای بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها به منظور تحقق رفاه اقتصادی، اجتماعی و محیطی سکونتگاه‌های انسانی است (بهبهانی، ۱۳۹۳: ۱۷). از این رو توسعه زمانی پایدار است که از نظر اقتصادی ماندگار، از نظر اجتماعی مقبول و از نظر محیطی درست باشد (بصراوی، ۱۳۹۵: ۱۷)؛ اغلب محققان بنا بر تعریف گزارش برانتلند که در آن سه لایه توسعه، برابری و مساوات و حفاظت از محیط‌زیست مشخص شده است، توسعه پایدار را در سه بعد اکولوژیکی با محیط زیست، اقتصادی و اجتماعی بررسی می‌کنند (بهبهانی، ۱۳۹۳: ۱۹). باین حال مدل‌های مختلفی برای درک ارتباط بین سه اصل اساسی در توسعه پایدار طراحی شده است. مدل ۲ که جدیدترین و رایج‌ترین مدل است، هر سه حوزه تأثیرگذار را به صورت برابر به نمایش می‌گذارد. این مدل به صورت دوایر متداخل نشان داده می‌شود (Mckenzie, 2004: 4) و از رویکردهایی که به شدت زیست‌محیطی بودند، عمومی‌تر است و در مباحث پایداری بیشتر پذیرفته شده است. در نمودار ۳، توسعه پایدار به عنوان سه دایره متحدالمرکز زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی، و سیستم‌های درونی نشان داده شده است و به این نکته اشاره دارد که اقتصاد در بستر جامعه است و تمام بخش‌های آن نیازمند روابط انسان‌ها و دربرگیرنده طیف وسیعی از روابط کسانی است که تعادل کالا و خدمات را در جامعه برقرار می‌سازند (Michael & Peacock, 2011: 2). مدل دوایر متحدالمرکز بر پایداری زیست‌محیطی تأکید می‌کند و جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی تابعی از اهداف زیست‌محیطی به‌شمار می‌روند (Mckenzie, 2004: 3).



نمودار ۲. سه اصل توسعه پایدار در مدل متداخل نمودار ۳. سه اصل توسعه پایدار در مدل دوایر متحدالمرکز منبع: -

Michael & Peacock, 2011: 2

جایگاه پایداری اجتماعی در توسعه پایدار: ابعاد مختلف توسعه پایدار (اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سازمانی) در بحث‌های پایداری به‌طور یکسان مورد توجه سیاستمداران واقع نشده‌اند (Dixon & Colantonio, 2009: 16). ابتدا مشکلات محیطی و اقتصادی در بحث‌های توسعه پایدار غلبه داشتند و تنها در اواخر دهه ۱۹۹۰ بود که مسائل اجتماعی نیز در برنامه پایداری مورد توجه واقع شد. همان‌طور که در نمودار ۲ و ۳ دیده می‌شود، در ابتدا مسائل اقتصادی و محیط‌زیست بر مباحث توسعه پایدار غلبه داشتند. موضوعات اجتماعی از اواخر سال‌های ۱۹۹۰ بود که در دستور کار مباحث توسعه پایدار قرار گرفت (انصاری، ۱۳۹۶: ۳۴)؛ چرا که پایداری اجتماعی یک مفهوم درحال‌ظهور است؛ اگرچه کمتر مطالعه می‌شود و ابعاد آن را اغلب نادیده می‌گیرند (Widok, 2009: 44). با وجود این، پس از دستور کار و راهبرد لیسبون در سال ۲۰۰۰ و درنهایت نشست اتحادیه اروپا در گوتنبرگ در سال ۲۰۰۱، پایداری اجتماعی به‌صورت ویژه مورد توجه واقع شد (هادیزاده زرگر، ۱۳۹۱: ۲۸). این در حالی است که تا دهه ۱۹۹۰، مفهوم پایداری اجتماعی با اهداف معتبر و خاص خود دنبال نمی‌شد. در مقابل، از اهدافی که منحصراً در راستای پایداری زیست‌محیطی تدوین شده بودند، استفاده می‌شد. تا این دهه بحث‌های پایداری اجتماعی تنها دو موضوع عمده را در برمی‌گرفت: فقر و رشد جمعیت. البته مباحثی نظیر کیفیت زندگی و برابری اجتماعی هم مطرح بود، ولی تا آن زمان در درجه دوم اولویت‌بندی‌ها قرار داشت (انصاری، ۱۳۹۶: ۳۴). از این‌رو برای اولین بار اتحادیه اروپا در لیسبون، در سال ۲۰۰۰ مباحث اجتماعی را جزو جدایی‌ناپذیر مدل‌های توسعه پایدار تعریف کرد (هادیزاده زرگر، ۱۳۹۱: ۲۸).

مفهوم پایداری اجتماعی: پایداری اجتماعی عبارت است از زندگی سالم، بارور و هماهنگ با طبیعت (برزگر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴) و به رابطه میان افراد و جوامع می‌پردازد (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۷) و درواقع به‌معنای ارتقای کیفیت زندگی و توسعه منابع انسانی و درنهایت توانمندسازی اجتماعات محلی برای غلبه بر چالش‌ها و مسائل درونی و واکنش در برابر تغییرات بیرونی و مدیریت حفظ ارزش‌ها است (غفاری طاری، ۱۳۹۴: ۲۵). به عبارت دیگر، پایداری اجتماعی به‌معنای تحول سازگار با تحول هماهنگ جامعه مدنی و پرورش محیطی مناسب برای زندگی مشترک سازگار با گروه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی است (Grum & Grum, 2020: 788). بدین ترتیب پایداری اجتماعی شامل طیف گسترده‌ای از رفتارهای اجتماعی، وجود تعامل میان ساکنان یک محله، وجود مشارکت میان نهادهای رسمی و غیررسمی محلی و ثبات نسبی در جامعه است که حس مثبتی از هویت و غرور را در جامعه ایجاد می‌کند (Dempsey et al., 2012). مفهوم پایداری اجتماعی وابسته به ویژگی‌های مشخص و شرایط محلی است که بسته به اهداف پایداری اجتماعی در مکان‌های مختلف، متنوع است. هر جامعه‌ای باید با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، محیطی و وضعیت سیاسی، تعریفی از پایداری اجتماعی ارائه دهد (Salimi et al., 2013: 132). برای تعریف پایداری اجتماعی به‌عنوان یکی از بعدهای مستقل توسعه پایدار تلاش اندکی صورت گرفته است. به‌نظر می‌رسد توافقی بر سر معیارها و دورنمایی که باید برای تعدیل و انطباق تعریف پایداری اجتماعی انجام شود، وجود ندارد. هریک از پژوهشگران و سیاست‌گذاران با توجه به شاخص‌های خود از یک رشته یا یک دیدگاه خاص تعریفی از آن ارائه کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد دستیابی به یک

تعریف جامع کار ساده‌ای نیست (Colantonio & Lane, 2007: 4). در جدول ۱ نمونه‌هایی از تعاریف پایداری اجتماعی ارائه شده است.

جدول ۱. تعاریف پایداری اجتماعی از دیدگاه صاحب‌نظران

منبع	تعریف	پژوهشگر
Michael & Peacock, 2011: 3	پایداری اجتماعی سیستمی از روابط فرهنگی است که در آن جنبه‌های مثبت فرهنگ‌های مختلف ارزش‌گذاری می‌شوند و ارتقا می‌یابند. برای تحقق پایداری اجتماعی، به مشارکت سیاسی گسترده شهروندان در تمام فعالیت‌های سیاسی به‌ویژه در سطوح محلی نیاز است.	دیویدسون و ویلسون
Dixon & Colantonio, 2009	پایداری اجتماعی باید بر پایه ارزش‌های عدالت و دموکراسی استوار باشد؛ بدین معنا که فرصت‌های مؤثری از تمامی حقوق بشر برای همه افراد وجود داشته باشد.	ساجس ^۱
&Michael Peacock, 2011: 2	هدف اصلی پایداری اجتماعی، دسترسی یکسان یا بیشتر نسل‌های آینده به منابع اجتماعی نسبت به نسل کنونی و بهبود شرایط زندگی است.	مک ^۲ و پیکوک ^۳
Glasson & Wood, 2009: 284	پایداری اجتماعی در چند سال گذشته به‌سوی مباحثی مانند شبکه‌های اجتماعی، مشارکت، حس مکان و امنیت در جامعه سوق پیدا کرده است.	گلاسون ^۴ و وود ^۵

در تبیین نقش معیارها و زیرمعیارها می‌توان گفت ما پیشرفت خود را در رسیدن به اهداف با یک سری معیارهای خاص می‌سنجیم. پژوهشگران و سازمان‌های مختلف دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با معیارهای پایداری اجتماعی ارائه کرده‌اند که به‌صورت خلاصه در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. معیارهای صاحب‌نظران و مؤسسات درباره پایداری اجتماعی

صاحب‌نظران/مؤسسه	معیارهای پایداری اجتماعی
تین و همکاران (۲۰۰۲)	عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت، امنیت
اداره آمار فدرال سوئیس ^۶ (۲۰۰۲)	امید به آینده، احساس خوشبختی، مشارکت اجتماعی، رضایت از درآمد، رضایت از عملکرد نهادها
گانس و لی (۲۰۰۵)	برابری و عدالت اجتماعی، امنیت و سازگاری، تعادل اجتماعی
چوگول (۲۰۰۸)	تأکید بر تعاملات اجتماعی، مشارکت، احساس تعلق، روابط بین‌فردی ساکنان و همسایه‌ها، فعالیت جمعی، حمایت متقابل، ایمنی، دسترسی تسهیلات
کلانتونو و دیکسون (۲۰۰۹)	یکپارچگی اجتماعی، مشارکت و دسترسی، سلامتی، سرمایه اجتماعی، هویت و حس مکان، شادی و کیفیت زندگی
وینگنتر و میرگ (۲۰۱۴)	دسترسی به خدمات محلی، اشتغال و منابع، سرمایه اجتماعی، بهداشت، انسجام اجتماعی، امنیت، توزیع عادلانه، میراث فرهنگی، عدالت اجتماعی، حس مکان و تعلق، مشارکت

1. Sachs
2. Michael Y. Mak
3. Clinton J. Peacock
4. John Glasson
5. Graham Wood
6. Swiss Federal Statistical Office (SFSO)

روش پژوهش

از آنجا که هر تحقیقی نیازمند تعیین معیارهای مورد نظر است، بررسی، ارزیابی و هرگونه شناخت در محدوده مورد مطالعه مستلزم تدوین معیارها برای اندازه‌گیری میزان پایداری و بهبود وضع موجود است. در این تحقیق، به‌منظور شناسایی و تعیین هریک از معیارهای پایداری، نظریه‌های اندیشمندان و متخصصان مختلف پایداری اجتماعی از طریق مبانی نظری و اسناد کتابخانه‌ای موجود مطالعه و بررسی و مهم‌ترین معیارهای پایداری اجتماعی و زیرمعیارهایی در نظر گرفته شده است. جدول ۳ معیارها و زیرمعیارهایی را که در این تحقیق استفاده شده است، نشان می‌دهد.

جدول ۳. معیارها و زیرمعیارهای مربوط به پایداری اجتماعی

معیارها	زیرمعیارها	منابع
هویت	طبقات اجتماعی	کلانتونیو و دیکسون (۲۰۰۹)
	حس تعلق	گل‌وردی یزدی (۱۳۹۰) چوگول (۲۰۰۸)
مشارکت	مسئولیت‌پذیری	اداره آمار فدرال سوئیس (۲۰۰۲)
	مشارکت در امور محله	بصراوی (۱۳۹۵) چوگول (۲۰۰۸) تین و همکاران (۲۰۰۲)
ایمنی	میزان حوادث ترافیکی	گل‌وردی یزدی (۱۳۹۰)
	بهداشت محیط	وینگنر و مبرگ (۲۰۱۴) مافی و عبدالله‌زاده (۱۳۹۶)
امنیت	میزان وقوع جرم و جنایت	گل‌وردی یزدی (۱۳۹۰)
	احساس امنیت	وینگنر و مبرگ (۲۰۱۴) مافی و عبدالله‌زاده (۱۳۹۶) تین و همکاران (۲۰۰۲)
کیفیت زندگی	عدالت اجتماعی	گاتس و لی (۲۰۰۵)
	رضایت از عملکرد مسئولان	تین و همکاران (۲۰۰۲)
	رضایت از مسکن	هادیزاده زرگر (۱۳۹۱) بهبهانی (۱۳۹۳)
سرمایه اجتماعی	رضایت از زندگی	کلانتونیو و دیکسون (۲۰۰۹)
	اعتماد اجتماعی	انصاری (۱۳۹۶)
	همبستگی اجتماعی	وینگنر و مبرگ (۲۰۱۴)
	آگاهی اجتماعی	هاشم‌پور و همکاران (۱۳۹۶) کلانتونیو و دیکسون (۲۰۰۹)

پایداری اجتماعی

تحقیق حاضر به‌لحاظ موضوعی و هدف کاربردی است و از لحاظ تحلیل، در چارچوب روش‌های تحقیق توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز، از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شد و به‌منظور شناسایی و دستیابی به معیارهای پایداری اجتماعی، مطالعه اسناد و مقاله‌ها انجام گرفت. سپس معیارهای اولیه با نظرسنجی از استادان غربال شدند و از میان آن‌ها شش معیار اصلی شامل هویت، مشارکت، ایمنی، امنیت، کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی انتخاب شدند. در این تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه صورت گرفت. به‌منظور سنجش وضعیت بافت تاریخی شهر ارومیه از نظر معیارهای پایداری اجتماعی و دل‌بستگی مکانی، با استفاده از طیف لیکرت

پرسشنامه‌هایی تهیه شد. جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش شامل همه خانوارهای ساکن (۱۱۰۴۱) در بافت تاریخی شهر ارومیه است که از میان آن‌ها براساس فرمول کوکران، ۳۷۱ خانوار به‌عنوان حجم نمونه تعیین و به این تعداد، میان خانوارهای بافت تاریخی شهر ارومیه پرسشنامه توزیع شد. این پرسشنامه‌ها شامل ۷۰ گویه هستند که در پرسشنامه اول، ۸ گویه به اطلاعات مصاحبه‌شونده، ۵۲ گویه به ۶ معیار و ۱۶ زیرمعیار پایداری اجتماعی اختصاص داده شد و در پرسشنامه دوم ۱۰ گویه برای اندازه‌گیری دلبستگی مکانی تعریف شد. برای سنجش روایی پرسشنامه، از روش اعتبار محتوایی استفاده و میزان پایایی پرسشنامه‌ها در نرم‌افزار SPSS به کمک آزمون آلفای کرونباخ بررسی شد. از آنجا که ضریب آلفای محاسبه‌شده برای پرسشنامه پایداری اجتماعی ۰/۸۸ و برای پرسشنامه دلبستگی مکانی ۰/۷۴ است، پرسش‌های مطرح‌شده در این پرسشنامه پایایی لازم را دارد.

جدول ۴. نتایج پایایی ابزار پژوهش

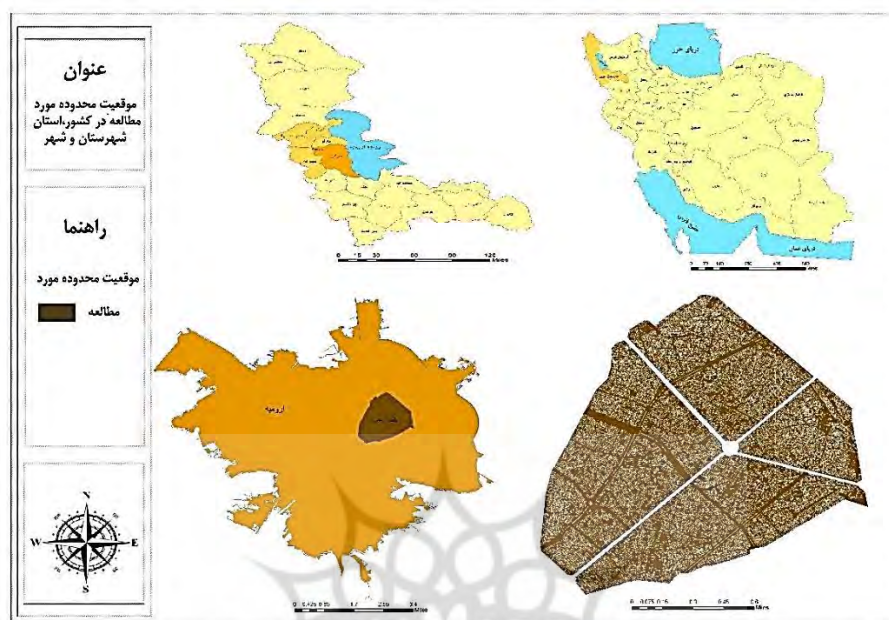
ردیف	نام گویه‌ها	تعداد گویه‌ها	میزان آلفای کرونباخ
۱	کل گویه‌ها	۷۰	۰/۸۵
۲	کل گویه‌های معیار پایداری اجتماعی	۵۲	۰/۸۸
۳	گویه‌های معیار دلبستگی مکانی	۱۰	۰/۷۴

پس از جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف، تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS صورت گرفت. در بخش توصیفی از آماره‌های فراوانی استفاده شد و در بخش استنباطی، مقایسه میانگین متغیرهای دو پرسشنامه پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی به کمک آزمون آماری تی تک‌نمونه‌ای (One sample T-test) و آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) صورت گرفت. بعد از انجام مراحل مذکور، ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی، با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد.

محدوده مورد مطالعه

شهر ارومیه مرکز شهرستان ارومیه و نیز مرکز استان آذربایجان غربی است که در فاصله هجده کیلومتری دریاچه ارومیه با وسعتی بالغ بر ۸۵۷۷/۳ هکتار قرار گرفته است (طرح و آمایش، ۱۳۸۵: ۱). محدوده مورد مطالعه، حوزه بافت تاریخی شهر ارومیه است که همان هسته اولیه شکل‌گیری شهر ارومیه را تشکیل می‌دهد. مساحت محدوده بافت تاریخی شهر ۳۰۷ هکتار است. این محدوده در منطقه ۴ قرار دارد و ۳۰ درصد از مساحت این منطقه را تشکیل می‌دهد. مرزهای محدوده تاریخی مصوب شهر ارومیه منطبق بر خیابان‌های حافظ، کاشانی، دانش، پزشکیان، وحدت و مجاهد است. بررسی روند شکل‌گیری و رشد تاریخی شهر ارومیه نشان می‌دهد پهنه مرکزی شهر در دوره‌های مختلف شکل گرفته است (طرح و آمایش، ۱۳۹۵: ۴۳). جمعیت محدوده مورد مطالعه در سال ۱۳۹۵ شامل ۲۷۸،۲۶ نفر است. تعداد خانوار در سال ۱۳۹۵ با بعد خانوار ۲/۳۸، ۱۱۰۴۱ است. محدوده مورد مطالعه به‌لحاظ اقتصادی، مرکز و قطب تجاری شهر به‌شمار می‌رود. در این محدوده به‌دلیل وجود کارکردهای اداری، بهداشتی، درمانی و سازمانی و غیره، حضور شهروندان و تعاملات و ارتباطات

اجتماعی و فرهنگی میان اقوام و مذاهب گوناگون مشاهده می‌شود. نقشه ۱ موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه را در سطوح مختلف نشان می‌دهد.



شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه

یافته‌های پژوهش

در ادامه ابتدا متغیرهای زمینه‌ای به‌طور کلی بررسی می‌شوند و سپس آمار توصیفی مرتبط با زیرمعیارهای پایداری اجتماعی در محدوده بافت تاریخی ارومیه ارائه می‌شود. در نهایت با بهره‌گیری از نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای، تحلیل واریانس یک‌طرفه و ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی ساکنان تحلیل می‌شود. پس از مشخص شدن میزان ضریب همبستگی میان پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی ساکنان، برخی از پیشنهادها برای کارساز و هدفمند با هدف بهبود وضع موجود و تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده ارائه خواهد شد.

یافته‌های توصیفی پژوهش

نتایج بیانگر آن است که ۵۵ درصد پاسخگویان مرد و ۴۵ درصد زن هستند. بیشتر پاسخگویان (۳۱ درصد) در فاصله سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار دارند. به لحاظ تحصیلات نیز تقریباً ۳۰ درصد دارای مدرک دیپلم، ۵۰ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی و ۲۰ درصد زیر دیپلم هستند. بیشتر پاسخگویان (۶۶ درصد) شاغل و ۳۴ درصد بیکار هستند. از نظر وضعیت محل تولد، بیش از نیمی ساکنان محله ۷۰ درصد بومی (متولد همان محله یا متولد محله‌های دیگری از شهر ارومیه) و ۳۰ درصد از ساکنان، غیربومی و متولد شهر یا روستای دیگری هستند. حدود ۸۰ درصد ساکنان بافت تاریخی ارومیه مالک واحد مسکونی خود هستند. در واقع سابقه سکونت اغلب مالکان (۶۸ درصد) در محله زیاد است.

آمار توصیفی زیرمعیارهای پایداری اجتماعی

هدف از انجام آمار توصیفی، بررسی آمار توصیفی زیرمعیارهای پایداری اجتماعی از نظر میانگین، انحراف معیار، واریانس و طیف لیکرت است. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، میانگین زیرمعیارهای پایداری اجتماعی عبارت‌اند از: طبقات اجتماعی ۳/۰۳۶۴، حس تعلق ۳/۱۴۸۲، مسئولیت‌پذیری ۲/۹۵۴۲، مشارکت در امور محله ۳/۱۲۷۴، تعاملات اجتماعی ۳/۳۷۵۶، میزان حوادث ترافیکی ۲/۷۴۱۲، بهداشت محیط محله ۳/۲۵۵۵، میزان وقوع جرم و جنایت ۲/۹۳۸۹، احساس امنیت ۳/۴۵۹۱، عدالت اجتماعی ۳/۵۳۴۸، رضایت از عملکرد مسئولان ۲/۹۵۲۸، رضایت از مسکن ۳/۴۰۲۵، رضایت از زندگی ۳/۶۸۶۰، اعتماد اجتماعی ۳/۱۹۱۴، همبستگی اجتماعی ۳/۰۳۱۰ و آگاهی اجتماعی ۲/۳۱۱۳. این معیارها حکایت از آن دارند که زیرمعیار رضایت از زندگی با بیشترین میانگین (۳/۶۸۶۰) و ۵۲/۱ درصد از نظر پاسخگویان مطلوب ارزیابی شده است و در وضعیت رضایت‌بخش قرار دارد. دلیل آن را می‌توان حضور شهروندانی دانست که از محله‌ها، شهرها یا روستاهای دیگری به این محدوده نقل مکان کرده‌اند و توانسته‌اند جذب نظام اقتصادی شوند و در حرفه‌ای فعالیت کنند. همچنین زیرمعیار آگاهی اجتماعی با کمترین میانگین (۲/۳۱۱۳) و ۸۷/۲ درصد از نظر شهروندان نامطلوب ارزیابی شده است و در وضعیت مناسبی قرار ندارد. دلیل آن را می‌توان به نداشتن آگاهی اجتماعی شهروندان از برگزاری انتخابات محلی، انتخاب اعضا، وظایف شورایی محله و پروژه‌های عمرانی اشاره کرد.

جدول ۵. آمار توصیفی زیرمعیارهای پایداری اجتماعی

معیار	زیر معیار	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	انحراف معیار	واریانس
هویت	طبقات اجتماعی	۰/۵	۲۲/۹	۴۵/۰	۲۹/۲	۲/۴	۳/۰۳۶۴	۰/۸۳۳۰۳	۰/۶۹۴
	حس تعلق	۵/۷	۳۷/۱	۲۰/۷	۲۵/۳	۱۱/۲	۳/۱۴۸۲	۱/۱۳۵۵۱	۱/۲۸۹
مشارکت	مسئولیت‌پذیری	۰	۱۴/۰	۴۴/۹	۳۵/۸	۵/۳	۲/۹۵۴۲	۰/۷۱۱۵۵	۰/۵۰۶
	مشارکت در امور محله	۱/۸	۲۳/۷	۳۴/۴	۳۷/۷	۲/۴	۳/۱۲۷۴	۰/۸۱۹۸۱	۰/۶۷۲
ایمنی	تعاملات اجتماعی	۳/۱	۳۳/۹	۳۹/۱	۲۰/۹	۳/۰	۳/۳۷۵۶	۰/۸۰۵۵۸	۰/۶۴۹
	میزان حوادث ترافیکی	۰	۱۰/۸	۳۵/۳	۳۹/۷	۱۴/۲	۲/۷۴۱۲	۰/۸۱۱۴۱	۰/۶۵۸
امنیت	بهداشت محیط محله	۰	۱۸/۰	۵۱/۰	۲۶/۴	۴/۶	۳/۲۵۵۵	۰/۶۸۹۵۷	۰/۴۷۶
	میزان وقوع جرم و جنایت	۰	۱/۴	۵۹/۳	۳۶/۹	۲/۴	۲/۹۳۸۹	۰/۴۶۸۷۰	۰/۲۲۰
کیفیت	احساس امنیت	۷/۰	۳۴/۸	۲۸/۸	۲۷/۰	۲/۴	۳/۴۵۹۱	۰/۹۱۴۸۷	۰/۸۳۷
	عدالت اجتماعی	۰	۳۹/۵	۳۵/۸	۲۴/۷	۰	۳/۵۳۴۸	۰/۷۳۳۵۶	۰/۵۳۸
زندگی	رضایت از عملکرد مسئولان	۰	۱۶/۳	۳۹/۴	۳۲/۱	۱۲/۲	۲/۹۵۲۸	۰/۸۰۵۰۵	۰/۶۴۸
	رضایت از مسکن	۳/۵	۳۴/۰	۳۶/۱	۲۶/۴	۰	۳/۴۰۲۵	۰/۷۹۰۹۱	۰/۶۲۶
سرمایه اجتماعی	رضایت از زندگی	۱۰/۳	۴۱/۸	۳۶/۱	۱۱/۸	۰	۳/۶۸۶۰	۰/۷۶۲۵۸	۰/۵۸۲
	اعتماد اجتماعی	۰	۱۸/۴	۴۸/۳	۳۰/۹	۲/۴	۳/۱۹۱۴	۰/۷۰۵۷۴	۰/۴۹۸
آگاهی اجتماعی	همبستگی اجتماعی	۱/۳	۲۸	۳۴/۰	۲۸	۸/۷	۳/۰۳۱۰	۰/۹۲۰۳۳	۰/۸۴۷
	آگاهی اجتماعی	۰	۰	۱۲/۸	۷۱/۹	۱۵/۳	۲/۳۱۱۳	۰/۴۷۵۷۳	۰/۲۲۶

منبع: یافته‌های پژوهش

ارزیابی معیارهای پایداری اجتماعی

هدف از اجرای آزمون تی تک‌نمونه‌ای، بررسی میزان پایداری اجتماعی و معیارهای آن است. همان‌طور که در جدول ۶

مشاهده می‌شود، سطح معناداری به‌دست‌آمده برای معیارهای هویت، مشارکت، ایمنی، امنیت و کیفیت زندگی کمتر از ۰/۰۵ است. همچنین میانگین معیارهای هویت ۳/۱۰، مشارکت ۳/۱۴، ایمنی ۳/۰۶، امنیت ۳/۱۹ و کیفیت زندگی ۳/۳۶ و همگی بیشتر از متوسط است؛ بنابراین می‌توان گفت این معیارها از نظر پاسخگویان مطلوب ارزیابی شده است. سطح معناداری این آزمون برای معیار سرمایه اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ است، اما با توجه به میانگین این معیار (۲/۸۶) می‌توان گفت معیار سرمایه اجتماعی در بافت تاریخی ارومیه از نظر شهروندان نامطلوب ارزیابی شده است و اختلاف معناداری با حد متوسط (۳) دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای معیارهای پایداری اجتماعی

معیار	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	آماره t	سطح معناداری
معیار هویت	۳/۱۰۳۵	۰/۷۲۲۸۱	۰/۱۰۳۵۰	۲/۷۵۸	۰/۰۰۶
معیار مشارکت	۳/۱۴۹۹	۰/۶۲۰۶۵	۰/۱۴۹۸۷	۴/۶۵۱	۰/۰۰۰
معیار ایمنی	۳/۰۶۲۷	۰/۵۷۲۴۱	۰/۰۶۲۶۷	۲/۱۰۹	۰/۰۳۶
معیار امنیت	۳/۱۹۹۰	۰/۵۶۵۲۶	۰/۱۹۹۰۱	۶/۷۸۱	۰/۰۰۰
معیار کیفیت زندگی	۳/۳۶۱۸	۰/۵۴۷۵۳	۰/۳۶۱۷۶	۱۲/۷۲۶	۰/۰۰۰
معیار سرمایه اجتماعی	۲/۸۶۲۶	۰/۵۰۲۲۴	-۰/۱۳۷۴۳	-۵/۲۷۱	۰/۰۰۰

در جدول ۷ نتایج اجرای آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای معیار پایداری اجتماعی (که ترکیبی از معیارهای فوق‌الذکر است) نشان می‌دهد سطح معناداری برای پایداری اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین میانگین پایداری اجتماعی و حد متوسط (۳) تفاوت معنادار وجود دارد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت بافت تاریخی ارومیه از نظر پایداری اجتماعی در وضعیت مناسبی قرار گرفته است.

جدول ۷. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای معیار پایداری اجتماعی

معیار	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	آماره t	سطح معناداری
معیار پایداری اجتماعی	۳/۱۴۵۰	۰/۳۸۶۱۲	۰/۱۴۵۰۱	۷/۲۳۴	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده شد معیارهای هویت، مشارکت، ایمنی، امنیت و کیفیت زندگی از نظر شهروندان مطلوب ارزیابی شده‌اند؛ زیرا میانگین به‌دست‌آمده برای هر یک از این معیارها بیشتر از حد متوسط و معنادار است؛ بنابراین بافت تاریخی ارومیه معیارهای پایداری اجتماعی را دارد و فقط وضعیت معیار سرمایه اجتماعی در این محدوده نامناسب است؛ زیرا میانگین آن کمتر از حد متوسط (۳) است. در جدول ۷ بین میانگین معیار پایداری اجتماعی با حد متوسط تفاوت معناداری وجود دارد. بدین ترتیب در مجموع بافت تاریخی شهر ارومیه پایدار است.

واریانس یک‌طرفه (ANOVA) برای آزمون تفاوت میانگین به‌کار می‌رود. جدول ۸ نشان می‌دهد بین معیارهای پایداری اجتماعی ارتباط معنادار وجود دارد ($\text{Sig} = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$). از این رو میانگین این معیارها در بافت تاریخی ارومیه متفاوت است.

جدول ۸. تحلیل واریانس معیارهای پایداری اجتماعی

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	بین گروه	درون گروه	مجموع
.۰۰۰	۵/۰۹۴	۱/۵۰۰	۷۰	۱۰۴/۹۸۲	بین گروه	۸۸/۳۳۳	هویت مکانی
		۰/۲۹۴	۳۰۰	۱۹۳/۳۰۵	درون گروه		
			۳۷۰		مجموع		
.۰۰۰	۱۷/۸۱۲	۱/۶۴۱	۷۰	۱۱۴/۸۸۵	بین گروه	۲۷/۶۴۲	مشارکت اجتماعی
		۰/۰۹۲	۳۰۰	۱۴۲/۵۲۷	درون گروه		
			۳۷۰		مجموع		
.۰۰۰	۸/۵۱۲	۱/۱۵۲	۷۰	۸۰/۶۳۱	بین گروه	۴۰/۵۹۹	ایمنی
		۰/۱۳۵	۳۰۰	۱۲۱/۲۳۰	درون گروه		
			۳۷۰		مجموع		
.۰۰۰	۱۱/۰۳۱	۱/۲۱۶	۷۰	۸۵/۱۴۳	بین گروه	۳۳/۰۸۰	امنیت
		۰/۱۱۰	۳۰۰	۱۱۸/۲۲۳	درون گروه		
			۳۷۰		مجموع		
.۰۰۰	۲۲/۸۳۸	۱/۳۳۴	۷۰	۹۳/۳۹۴	بین گروه	۱۷/۵۲۶	کیفیت زندگی
		۰/۰۵۸	۳۰۰	۱۱۰/۹۲۱	درون گروه		
			۳۷۰		مجموع		

مطابق جدول ۸ بین معیارهای پایداری اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. می‌توان نتیجه گرفت که حداقل یکی از این میانگین‌ها با بقیه متفاوت است.

تحلیل معیار دلبستگی مکانی

به‌منظور بررسی میزان دلبستگی مکانی نیز از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. جدول ۹ نشان می‌دهد سطح معناداری به‌دست‌آمده برای معیار دلبستگی مکانی، پایین‌تر از ۰/۰۵ است. از این‌رو بین میانگین این معیار و حد متوسط (۳) تفاوت معنادار وجود دارد. می‌توان نتیجه گرفت بافت تاریخی ارومیه از نظر دلبستگی مکانی در وضعیت مناسبی قرار گرفته است.

جدول ۹. مربوط به آزمون تی تک‌نمونه‌ای معیار دلبستگی مکانی

سطح معناداری	آماره t	تفاوت میانگین	انحراف معیار	میانگین	معیار دلبستگی مکانی
.۰۰۰	۹/۸۹۱	۰/۲۳۹۳۵	۰/۴۶۶۱۱	۳/۲۳۹۴	

براساس جدول ۹ معیار دلبستگی مکانی از نظر شهروندان مطلوب ارزیابی شده است و در بافت تاریخی وضعیت مناسبی دارد. دلایل این مطلوبیت عبارت‌اند از: طول مدت سکونت بیشتر ساکنان و تجربه، احساس مثبت و وابستگی عاطفی نسبت به شناخت و درک وی از مکان زندگی‌اش، تحرک‌پذیری و ویژگی‌های متمایز کالبدی و عملکردی اماکن تاریخی و مذهبی و بازار و غیره در بافت تاریخی.

تحلیل ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی

به‌منظور تحلیل رابطه بین دو متغیر پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی ساکنان بافت تاریخی ارومیه از آزمون ضریب

همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین نرمال بودن داده‌ها به کمک آزمون کولموگوروف اسمیرنوف^۱ بررسی شد که شرح آن در جدول ۱۰ آمده است. در این آزمون فرضیه صفر نرمال بودن داده‌ها است. زمانی که سطح معناداری (Sig) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد، توزیع داده‌ها نرمال است.

جدول ۱۰. آزمون کولموگوروف اسمیرنوف تک‌نمونه‌ای (K-S)

متغیرها	پایداری اجتماعی	دلبستگی مکانی
تعداد	۳۷۱	۳۷۱
میانگین	۳/۴۶۲۱	۳/۴۷۱۲
پارامترهای توزیع نرمال	۰/۳۰۹۹۰	۰/۳۱۷۰۵
انحراف معیار	۰/۰۴۲	۰/۰۴۶
قدرمطلق اختلاف	۰/۰۳۵	۰/۰۳۲
مقدار مثبت	-۰/۰۴۲	-۰/۰۴۶
مقدار منفی	۰/۰۴۲	۰/۰۴۶
آماره کولموگوروف اسمیرنوف	۰/۱۶۸	۰/۰۶۱
سطح معناداری (Sig)		

جدول ۱۰ نشان می‌دهد سطح معناداری متغیرها، پایداری اجتماعی (۰/۱۶۸) و دلبستگی مکانی (۰/۰۶۱) نیز از ۰/۰۵ بیشتر است؛ بنابراین توزیع متغیرهای پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی نرمال است. از آنجا که یکی از شروط استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نرمال بودن متغیرها است، با توجه به نرمال بودن متغیرها، برای بررسی ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی از ضریب همبستگی پیرسون که آزمونی پارامتریک است استفاده می‌شود.

جدول ۱۱. ضریب همبستگی پیرسون بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی

متغیرها	پایداری اجتماعی	دلبستگی مکانی
همبستگی پیرسون	۱	۰/۴۶۵
سطح معناداری		۰/۰۰۰
تعداد	۳۷۱	۳۷۱
همبستگی پیرسون	۰/۴۶۵	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	
تعداد	۳۷۱	۳۷۱

با توجه به سطح معناداری آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۰/۰۰) می‌توان گفت بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی بین این دو متغیر ($r = ۰/۴۶۵$) می‌توان نتیجه گرفت شدت همبستگی به دست آمده در حد متوسط و جهت رابطه بین این دو متغیر مستقیم و مثبت است. به عبارت دیگر، هرچه پایداری اجتماعی در محل بیشتر باشد، دلبستگی مکانی نیز به همان میزان افزایش می‌یابد.

جدول ۱۱ نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری ($Sig = ۰/۰۰۰$) و ضریب همبستگی ($r = ۰/۴۶۵$)، بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی ارتباط معنادار وجود دارد و جهت رابطه مستقیم و مثبت است. به عبارتی هرچه پایداری اجتماعی در محله‌ها بیشتر باشد، دلبستگی مکانی نیز به همان میزان افزایش می‌یابد.

بحث

از عوامل مؤثر در شکل‌گیری دلبستگی مکانی می‌توان به نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی، کالبدی، عامل زمان و عوامل زمینه‌ای و فعالیتی اشاره کرد. هریک از این عوامل به‌نحوی در معیارهای مشارکت و کیفیت زندگی و امنیت نقش دارند. با توجه به نتایج تحلیل می‌توان گفت به‌دلیل اینکه بیشتر ساکنان مالک‌اند^۱ و مدت زیادی است که در محله اقامت دارند^۲، بیشتر ساکنان به محله حس تعلق و علاقه دارند. بیشتر ساکنان باسواد هستند و از آنجا که سطح تحصیلات، بر مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد تأثیر زیادی دارد، این افراد از ارتباطات اجتماعی و تعاملات فرهنگی برخوردارند. بیشتر ساکنان محله یکدیگر را می‌شناسند و به یکدیگر اطمینان و اعتماد دارند. از طرفی با ساختار فضایی و عملکرد محله، عناصر و اماکن محله آشنایی دارند و هیچ‌گونه ترسی از به‌خطرافتادن ارزش‌های انسانی وجود ندارد. همین عوامل به افزایش صمیمیت و دلبستگی منجر شده و موجب احساس امنیت ساکنان شده است. اغلب آن‌ها از موقعیت قرارگیری محل زندگی و پیشرفت و موفقیت خود راضی هستند؛ زیرا توانسته‌اند جذب نظام اقتصادی شوند و در حرفه‌ای فعالیت کنند و به‌راحتی به تسهیلات و خدمات و فعالیت‌ها دسترسی دارند. این عوامل موجب افزایش کیفیت زندگی و پایداری اجتماعی شده و در نتیجه دلبستگی به مکان را افزایش داده است.

نتیجه‌گیری

بافت تاریخی در مراکز شهری یکی از بارزترین بافت‌های شهرها است که به‌دلیل برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فرد در ابعاد مختلف کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و غیره نیازمند توجهات ویژه در حوزه برنامه‌ریزی شهری است. امروزه بافت‌های تاریخی از درک روح انسانی و تعلق اجتماعی دور شده‌اند و به همین دلیل توجه به پایداری اجتماعی، دلبستگی و تعلق مکانی در محله‌های قدیمی و تاریخی از ضرورت‌های مهم در محیط‌های شهری است. تعلق و دلبستگی افراد به محله، ریشه در استمرار سکونت و تجربه‌های ذهنی افراد نظیر کالبد، عملکرد و سازمان محله، دسترسی به خدمات و سایر مراکز و غیره دارد. در این میان، پایداری اجتماعی و دلبستگی، تأثیر وسیعی بر میزان تقویت تعاملات اجتماعی، ارتقای سطح ایمنی و امنیت، حفظ هویت و تقویت حس تعلق، ارتقای فرهنگ شهرنشینی، توزیع عادلانه خدمات شهری و بهبود سطح کیفیت زندگی، افزایش میزان انسجام و اعتماد اجتماعی، ارتقای سطح همبستگی و غیره دارد. از این‌رو پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی در بافت تاریخی شهرها، امری حیاتی در شهرها به حساب می‌آید که باید همگان به آن توجه کنند.

در پژوهش حاضر، ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی ساکنان با هدف تقویت حس تعلق، اعتماد و همبستگی اجتماعی مطالعه شد. مطالعه حاضر با هدف کاربردی و روشی توصیفی-تحلیلی سعی در تحلیل ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی داشت که به‌منظور دستیابی به این مهم، از روش‌های کتابخانه‌ای برای تشریح واژه‌های کلیدی پژوهش، و از آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس یک‌طرفه، کولموگروف-اسمیرنوف و ضریب همبستگی پیرسون به‌منظور محاسبه بهره گرفته شد.

۱. دلایل این فراوانی مالکیت عبارت‌اند از: ارزانی زمین و مسکن، مالکیت وراثتی و الزامات شغلی.

۲. از عواملی که سبب ماندگاری و جذب ساکنان شده دسترسی آسان به مرکز شهر، خدمات و ادارات بوده است.

طبق مطالعات و مبانی نظری اندیشمندان و متخصصان مختلف مرتبط با تحقیق حاضر، معیارهایی که در این پژوهش استفاده شدند، همگی از تعاریفی هستند که استادان و صاحب‌نظرانی مانند کلاتونیو و دیکسون (۲۰۰۹)، چوگول (۲۰۰۸)، اداره آمار فدرال سوئیس (۲۰۰۲)، وینگتنر و مبرگ (۲۰۱۴)، تین و همکاران (۲۰۰۲)، گاتس و لی (۲۰۰۵)، مافی و عبدالله‌زاده (۱۳۹۶) و هاشم‌پور و همکاران (۱۳۹۶) از موضوع پایداری اجتماعی بیان کرده‌اند. پایداری اجتماعی بیشتر با معیارهای هویت، مشارکت، ایمنی، امنیت، کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی معرفی و بررسی شده است. در تحقیق حاضر نیز همین معیارها مدنظر بوده است که از این نظر اهمیت اساسی آن نمود می‌یابد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بافت تاریخی شهر ارومیه از منظر پایداری اجتماعی در وضعیت مطلوب و پایدار قرار دارد؛ زیرا سطح معناداری به‌دست‌آمده برای پایداری اجتماعی کمتر از ۵ درصد است و میانگین آن بیشتر از متوسط (۳/۱۴) است. از این‌رو پایداری اجتماعی در سطح مطلوب ارزیابی شده است. به عبارت دیگر، در میان معیارهای تعریف‌شده فقط معیار سرمایه اجتماعی با میانگین کمتر از حد متوسط و دارای وضعیت نامطلوب است و دیگر معیارهای پایداری اجتماعی از نظر شهروندان مطلوب ارزیابی شده‌اند؛ زیرا میانگین به‌دست‌آمده برای هر یک از این معیارها بیشتر از متوسط و معنادار است. یافته‌های استنباطی نشان می‌دهد اگرچه میانگین دیگر معیارهای پایداری اجتماعی (هویت (۳/۱۰)، مشارکت (۳/۱۴)، ایمنی (۳/۰۶)، امنیت (۳/۱۹) و کیفیت زندگی (۳/۳۶)) بیشتر از حد متوسط و معنادار است، میانگین آن‌ها تفاوت چندانی با حد متوسط ندارد و بنابراین نیازمند توجه و رسیدگی است؛ در غیر این صورت می‌توان گفت در آینده نه‌چندان دور پایداری اجتماعی بافت تاریخی ارومیه کاهش خواهد یافت. براساس یافته‌های پژوهش، معیارهای پایداری اجتماعی در بافت تاریخی ارومیه با هم متفاوت و دارای ارتباط معنادار ($Sig = 0/000$) هستند. همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که دلبستگی مکانی در وضعیت موجود بافت تاریخی ارومیه در سطح مناسب و مطلوبی قرار دارد، اما این متغیر نیز مانند پایداری اجتماعی نیازمند توجه است که در صورت توجه‌نکردن به آن در آینده نزدیک، دلبستگی مکانی نیز کاهش پیدا می‌کند. یافته‌های تحلیل ضریب همبستگی پیرسون نیز نشان می‌دهد بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی ساکنان بافت تاریخی ارومیه همبستگی وجود دارد و شدت ضریب همبستگی $0/465$ (در حد متوسط) و جهت رابطه نیز مستقیم و مثبت است. به عبارتی با افزایش پایداری اجتماعی، دلبستگی مکانی ساکنان به بافت تاریخی شهر ارومیه نیز افزایش می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات هادیزاده زرگر (۱۳۹۱)، بهبهانی (۱۳۹۳)، بصراوی (۱۳۹۵) و علیزاده و همکاران (۱۳۹۳) هم‌راستا است. اما با نتایج مطالعه انصاری (۱۳۹۶) که نشان داده بود تأثیرگذاری پروژه بین‌الحرمین بر سرمایه اجتماعی منفی بوده است همسو نیست. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد معیار سرمایه اجتماعی با میانگین $2/86$ کمتر از حد متوسط است و از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. این تأثیر منفی بیانگر اطلاع‌رسانی نکردن و نداشتن مشورت یا مشارکت شهرداری برای اجرای پروژه‌های عمرانی در محله‌های مسکونی و ناآگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، نبود نهادهای محلی و شورایار و غیره است. از نوآوری‌های این پژوهش می‌توان به بررسی پایداری اجتماعی، دلبستگی مکانی و همچنین بررسی ارتباط بین پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی در بافت تاریخی موجود در مراکز شهری اشاره کرد؛ درحالی‌که بیشتر تحقیقات، سطح شهر و محله‌های شهری را سنجیده‌اند.

مطابق نتایج، بافت تاریخی شهر به مرور زمان جمعیت خود را از دست می‌دهد؛ به تبع آن، پایداری اجتماعی و دلبستگی مکانی به میزان زیادی کاهش خواهد یافت و در نتیجه به مکانی برای بروز مسائل ایمنی و امنیتی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل خواهد شد. در هر حال باید از این رویه جلوگیری شود؛ چرا که بافت تاریخی هر شهر قلب تپنده و هویت آن شهر و به همین خاطر نیازمند توجه و تأکید اساسی بر ملاحظات دلبستگی به مکان، سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی، امنیت و ایمنی، مشارکت و آگاهی اجتماعی، حس تعلق و هویت، اعتماد و انسجام اجتماعی است که گامی مهم در جهت حفظ و ارتقای پایداری اجتماعی به شمار می‌رود. این مسئله نیازمند توجه و رسیدگی مسئولان، برنامه‌ریزان، طراحان و تصمیم‌سازان است، قبل از اینکه دلبستگی مکانی و پایداری اجتماعی موجود در بافت کاهش یابد، وحدت اجتماعی، کیفیت زندگی و امنیت محله‌های بافت تاریخی از بین رود و به معضل و بحران تبدیل شود. به همین منظور، پیشنهادها و راهبردهای اساسی زیر در جهت رسیدن به آسایش رفاه فردی و اجتماعی و سالم‌سازی محله‌ها ارائه می‌شود:

- بهبود و ارتقای سطح درآمد و موقعیت شغلی ساکنان از طریق حمایت از فرصت‌های شغلی و افزایش آن (با ایجاد کارگاه‌ها و افزایش دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای - اعطای تسهیلات خود اشغالی)؛

- حفظ و ارتقای بهداشت محیط با مشارکت مردم و همکاری میان نهادهای مختلف به منظور کاهش آلودگی بصری و صوتی و در نظر گرفتن برنامه‌ها و امکانات ویژه به منظور کاهش آلودگی هوا (تبدیل سوخت خودروها به CNG، از رده خارج کردن خودرو و اتوبوس‌های فرسوده، اصلاح حمل و نقل عمومی و نوسازی ناوگان اتوبوس‌رانی و تاکسی‌رانی، تجمیع خرده پارکینگ‌ها، تخلیه و لایه‌روبی به موقع چاه‌ها و دفع فاضلاب به صورت بهداشتی)؛

- ارتقای بافت تاریخی به منظور افزایش حس تعلق (تقویت راسته‌های بازار نظیر دوشابچی و دمیرچه‌خانه، ارتقای حرفه ساخت تنور و ثبت آن به عنوان هویت محله تندیرچیلر، نگهداری و حفظ بناهای تاریخی و محله‌های قدیمی)؛

- ارتقای ایمنی تردد ساکنان اقشار خاص جامعه به ویژه معلولان و نابینایان به منظور رعایت تساوی حقوق شهروندی با مجهز کردن سیستم‌های حمل و نقل عمومی به امکانات ویژه و فناوری‌های نوین برای تردد معلولان و نابینایان برای افزایش حضورپذیری مؤثر آنان در جامعه، مناسب‌سازی فضاهای شهری به ویژه برای تردد معلولان جسمی و نابینایان و سالمندان به منظور تسهیل دسترسی مانند نصب تابلوهایی با خط بریل، مجهز کردن چهارراه‌ها و تقاطع‌های شهری به علائم هشداردهنده صوتی و اتوبوس‌ها به اپراتورهای سخنگو، ایجاد رمپ در ورودی‌ها و هم‌سطح‌سازی معابر؛

- ارتقای سطح ایمنی بافت در راستای کاهش ترافیک و گره‌های ترافیکی از طریق کنترل ترافیک و سرعت خودروها در سطح محله‌ها به منظور افزایش ایمنی تردد سالمندان و کودکان و بهبود کیفیت دسترسی‌ها؛

- حفظ و ارتقای امنیت محله به وسیله افزایش نظارت و امنیت اجتماعی با ایجاد کیوسک‌های نظارتی، در نظر گرفتن پارکبان، سامان‌دهی خانه‌های مخروبه در محله و خلق فضاهای جمعی فعال، در نظر گرفتن فعالیت‌های شبانه‌روزی؛

- ارتقای سطح خدمات دهی و توزیع عادلانه خدمات شهری از طریق تجمیع واحدهای تخریبی و متروکه و همچنین خانه‌هایی که شهرداری خریده است در راستای خدمات‌رسانی کارآمد و همچنین استفاده از پتانسیل‌های موجود؛

- تقویت حس مسئولیت‌پذیری و بسترسازی به‌منظور ارتقای مشارکت محله‌ای با تشکیل نهادها، گروه‌ها، انجمن‌های محلی و حفظ و ارتقای هویت امنای برای تقویت حضورپذیری اجتماعی و انجام امور محله و رفع مشکلات آن‌ها؛
- حفظ و ارتقای سطح سرمایه اجتماعی از طریق دستیابی به انسجام و اعتماد عام و خاص و تقویت سطح اعتماد به مدیریت شهری (از طریق راه‌اندازی شورایار محله و برگزاری جلسات برای دیدار با مسئولان و حضور مدیران شهری)؛
- بسترسازی به‌منظور افزایش تعاملات اجتماعی با برگزاری مراسم و جشن‌های سنتی، مذهبی به‌صورت متنوع و جشنواره‌های محلی در راستای تقویت تعاملات اجتماعی؛
- ارتقای شرایط مسکن و زندگی با جلب مشارکت سرمایه‌گذاران از طریق اعطای امتیازات تشویقی در نوسازی بافت و اعطای تسهیلات بانکی و سیاست‌های تشویقی به ساکنان بافت قدیمی در جهت مقاوم‌سازی بناها در برابر حوادث طبیعی.



منابع

- انصاری، شهربانو (۱۳۹۶). ارزیابی تأثیرات اجرای پروژه‌های نوسازی شهری در بافت‌های فرسوده با تأکید بر رویکرد پایداری اجتماعی (مورد پژوهش: پروژه بین‌الرحمین شیراز)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- برزگر، صادق، بخشی، امیر و حیدری، محمدتقی (۱۳۹۸). تبیین پایداری اجتماعی-اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار (نمونه: شهرهای کوچک شمال ایران)، *نشریه مجلس و راهبرد*، دوره ۲۶، شماره ۹۷: ۵-۳۸.
- بصراوی، نرگس (۱۳۹۵). ارزیابی پایداری اجتماعی در محله‌های شهر اصفهان (مورد مطالعه: محله‌های شهسپهان و شهرک کاوه)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده معماری و شهرسازی، مؤسسه آموزش عالی دانش‌پژوهان.
- بهبهانی، مرضیه (۱۳۹۳). ارزیابی عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی محله‌های شهر جهرم، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد.
- پوراحمد، احمد، بابایی، حمیدرضا و رفیع، ابوالفضل (۱۳۹۷). «تبیین نقش مدیریت محله‌ای بر پایداری اجتماعی شهر تهران از طریق سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده شهری»، *نشریه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی*، دوره ۸، شماره ۳۱، ۷۵-۸۲.
- پورجعفر، محمدرضا و خیبری، سمانه (۱۳۹۳). ارتقای دل‌بستگی مکانی در فرایند بازآفرینی بافت‌های شهری کهن، *نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر*، دوره ۴، شماره ۴۵، ۹۴-۱۰۹.
- توانا، مصطفی و نوریان، فرشاد (۱۳۹۶). «سنجش پایداری اجتماعی در محله‌های پراکنده (مطالعه موردی: محله شادآباد تهران)»، *نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۹، شماره ۴: ۸۸۵-۹۰۰.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ حبیبیان، بهار؛ اشنویی، امیر و خاوریان، امیررضا (۱۳۹۳). ارزیابی و تبیین ابعاد دل‌بستگی مکانی در خیابان بابا افضل شهر کاشان، *نشریه معماری و شهرسازی پایدار*، دوره ۲، شماره ۲: ۶۵-۷۷.
- حق‌پرست، فرزین؛ آصفی، مازیار و ابی‌زاده، الناز (۱۳۹۸). تحلیل تأثیرات زمینه‌های ادراکی و دل‌بستگی مکانی بر وفاداری کنشی گردشگران (نمونه موردی: بازار تاریخی تبریز)، *فصلنامه علمی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، دوره ۹، شماره ۱: ۲۵-۴۴.
- دانش‌پور، سیدعبدالهادی؛ سپهری‌مقدم، منصور و چرخچیان، مریم (۱۳۸۸). «تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، *نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی*، دوره ۱، شماره ۳۸، ۳۷-۴۸.
- راکعی بناب، ندا، حقیقتیان، منصور و جهانبخش، اسماعیل (۱۳۹۶). «تبیین جامعه‌شناختی پایداری اجتماعی در محله‌های تبریز»، *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۸، شماره ۳۱، ۶۳-۸۲.
- رحیمی، لیلا، رفیعیان، مجتبی و باقری، محمد (۱۳۹۶). «ارزیابی تأثیر مقیاس مکانی بر دل‌بستگی ساکنان به مکان در محله‌های مرکزی (شهر تبریز)»، *نشریه نامه معماری و شهرسازی*، دوره ۹، شماره ۱۸، ۴۳-۵۸.
- زمانی، بهادر و هنرور، محسن (۱۳۹۵). «ارزیابی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی مکانی در محله‌های شهری با استفاده از فرایند تحلیل شبکه‌ای»، *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره ۶، شماره ۲۰، ۱۳۱-۱۵۶.
- زنگنه، مهدی، بنی‌اسد، طیبه و خاوری، عاطفه (۱۳۹۹). «بررسی پایداری اجتماعی در شهرک‌های جدید (نمونه موردی: شهرک مهرگان در مشهد)»، *نشریه مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، دوره ۷، شماره ۲۲، ۱۲۹-۱۱۳.
- سرای، محمدحسین، امیدوار، کمال و عزیززاده شورکی، یحیی (۱۳۹۲). «تحلیل و ارزیابی شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی توسعه پایدار در محله‌های شهرتاریخی میبد»، *نشریه تحقیقات جغرافیایی*، دوره ۲۸، شماره ۱، ۱۷۷-۲۰۳.

- علیزاده، هوشمند، ایران‌دوست، کیومرث و برآور، مهنا (۱۳۹۳). «سنجش پایداری اجتماعی محله‌ها براساس دیدگاه ساکنان (نمونه موردی: محله فیض‌آباد شهر کرمانشاه)»، نشریه مدیریت شهری، دوره ۱۳، شماره ۳۷، ۷۳-۹۲.
- غفاری طاری، فرشاد (۱۳۹۴). تدوین راهکارهایی در جهت ارتقای حس تعلق خاطر اقوام مختلف به محله با تأکید بر پایداری اجتماعی (نمونه موردی: وحیدیه نارمک)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.
- غفوریان، میترا، افشین‌مهر، وحید و نوروزی‌زاده، زهرا (۱۳۹۶). «بازشناسی مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی (مطالعه موردی: محله اباذر، تهران)»، نشریه هویت شهر، دوره ۱۱، شماره ۳۰، ۳۱-۴۴.
- کریمی مشاور، مهرداد و نیکوخوی، مونا (۱۳۹۷). «نقش عناصر کالبدی و اجتماعی بر دل‌بستگی مکانی به روش PREQ» (مورد مطالعاتی: محله جولان)، نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، دوره ۱۱، شماره ۲۳، ۷۵-۸۴.
- گل‌وردی یزدی، حمیده (۱۳۹۰). بررسی و ارزیابی سطح پایداری اجتماعی در محلات بافت قدیم یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد.
- مافی، عزت‌اله و مهدی عبدالله‌زاده (۱۳۹۶). «ارزیابی پایداری اجتماعی کلان‌شهر مشهد»، نشریه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره ۸، شماره ۱۵، ۶۵-۷۸.
- مهندسان مشاور طرح و آمایش (۱۳۹۵). طرح تفصیلی شهر ارومیه، منطقه ۴.
- هادیزاده زرگر، صادق (۱۳۹۱). سنجش و ارزیابی پایداری اجتماعی (نمونه موردی: محلات شهر مشهد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.
- هاشم‌پور، رحیم، زارعی، فاطمه، آهنی، سمیه و کاکاوند، الهام (۱۳۹۶). «ارزیابی تطبیقی جایگاه سرمایه اجتماعی در ساختار محلات شهری با استفاده از تکنیک AHP (مطالعه موردی: شهر قزوین)»، نشریه آمایش محیط، دوره ۱۰، شماره ۳۶، ۲۵-۴۶.
- Alizadeh, H., Irandoost, K., and Baravar, M. (2015). Assessment of Social Sustainability at Neighborhood Level Based on the Residents' Views Case Study of Faizabad Neighborhood in the City of Kermanshah. *Journal of Urban Management*, 13(37), 73-92. (In Persian)
- Altman, I., & Low, S. (1992). Place attachment. *Human Behavior and Environment*, 12.
- Ansari, Sh. (2017). Evaluation of the Impacts of Urban Renewal Projects in Deteriorate Areas with focouing on Social Sustainability Case Study: Beinolharamain Project of Shiraz, Iran, *Master Thesis*, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University of Tehran. (In Persian)
- Barzegar, S., Bakhshi, A., & Heydari, M. T. (2019). Explaining Socio-Economic Stability in Small Cities with Sustainable Development Approach Case Study: Small Cities of Northern Iran. *Journal of Majlis and Rahbord*, 26(97), 5-38. (In Persian)
- Basravi, N. (2016). Social Sustainability Assessment in the Neighborhoods Isfahan Case Study: shahshahan neighborhoods and settlements kaveh, *Master Thesis*, Department of Urban Planning, Architecture and urbanism Faculty, Institute of Education Danesh Pajooohan. (In Persian)
- Behbahani, M. (2014). Evaluation of Effective Factors on Social Sustainability in Quarters Jahrom City, *Master Thesis*, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Human Science, Yazd University. (In Persian)
- Brown, B., Perkins, D. D., & Brown, G. (2003). Place attachment in a revitalizing neighborhood: Individual and block levels of analysis. *Journal of Environmental Psychology*, 23(3), 259-271.
- Choguill, C. L. (2008). Developing sustainable neighbourhoods. *Habitat International*, 32(1), 41-48.

- Colantonio, A., & Lane, G. (2007). Measuring social sustainability, Best Practice from Urban Renewal in the EU, 2007/01: *EIBURS Working Paper Series*. Oxford Institute for Sustainable Development (OISD)–International Land Markets Group.
- Colantonio, A., Dixon, T., Ganser, R., Carpenter, J., & Ngombe, A. (2009). *Measuring Socially Sustainable Urban Regeneration in Europe*.
- Csanádi, G., Csizmady, A., & Olt, G. (2011). Social sustainability and urban renewal on the example of Inner-Erzsébetváros in Budapest. *Society and Economy*, 33(1), 199-217.
- Cuthill, M. (2010). Strengthening the 'social' in sustainable development: Developing a conceptual framework for social sustainability in a rapid urban growth region in Australia. *Sustainable Development*, 18(6), 362-373.
- Daneshpour, S. A., Sepehri Moqaddam, M., & Charkhchian, M. (2009). Explanation to "Place Attachment" And investigation of its effective factors. *Journal of Honar-Ha-Ye-Ziba, Architecture and Urban Planning*, 1(38), 37-48. (In Persian)
- Darby, D. Ö., & Özata, T. (2017). Analyzing the concept of place attachment in the context of spatial factors: Kuzguncuk, Istanbul. *ICONARP International Journal of Architecture and Planning*, 5, 18-29.
- Dempsey, N., Bramley, G., Power, S., & Brown, C. (2011). The social dimension of sustainable development: Defining urban social sustainability. *Sustainable Development*, 19(5), 289-300.
- Dempsey, N., Brown, C., & Bramley, G. (2012). The key to sustainable urban development in UK cities? The influence of density on social sustainability. *Progress in Planning*, 77(3), 89-141.
- Design and Planning Consulting Engineers (2016). *Detailed Plan of Urmia City, Zone 4*. (In Persian)
- El-Husseiny, M. A., & Kesseiba, K. (2012). Challenges of social sustainability in neo-liberal Cairo: Re-questioning the role of public space. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 68, 790-803.
- Fatani, K., Mohamed, M., & Al-Khateeb, S. (2017). Sustainable socio-cultural guidelines for neighborhood design in Jeddah. *Procedia Environmental Sciences*, 37, 584-593.
- Gates, R., & Lee, M. (2005). Definitions of social sustainability. Policy report social development: City of Vancouver. Vancouver City Council. Retrieved June 2, 2012 from: <http://www.vancouver.ca/ctyclerk/cclerk/20050524/documents/p1.pdf>.
- Ghaffari Tari, F., (2015). Codifying the strategies for improving various nations' dependency sensation on parish, emphasizing on Social Sustainability Case study: Vahidiye, Narmak, *Master Thesis*, Department of Public Management, Faculty of Management & Accounting, Islamic Azad University Ghods Branch. (In Persian)
- Ghafourian, M., Afshinmehr, V., & Norouzizade, Z. (2017). Recognition of the Components of Social Sustainability and Their Impact on Increasing Social Interactions in Housing (Case Study: Abazar Neighborhood, Tehran). *Journal of Hoviat Shahr*, 11(30), 31-44. (In Persian)
- Gheimati, M., Etesam, I., & Alaie, A. (2020). Investigating the Role of Place Attachment in the Formation of a New Spatial Identity, Based on Surveying the Adaptive Capacity of Citizens from Modern Urban Residential Views in Region One Area of Tehran. *Islamic Art Studies*, 17(39).
- Glasson, J., & Wood, G. (2009). Urban regeneration and impact assessment for social sustainability. *Impact Assessment and Project Appraisal*, 27(4), 283-290.
- Golverdi Yazdi, H. (2011). Investigating and evaluating the level of social sustainability in the old neighborhoods of Yazd, *Master Thesis*, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, Yazd University. (In Persian)
- Grum, B., & Grum, D. K. (2020). Concepts of social sustainability based on social infrastructure and quality of life. *Facilities*, 38(11-12), 783-800.

- Hadizadeh Zargar, S. (2012). Assessment and evaluation of social sustainable Case Study: neighborhoods of Mashhad, *Master Thesis*, Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan. (In Persian)
- Haghparsat, F., Asefi, M., and Abizadeh, E. (2019). An analysis of the effects of perceptive contexts and place attachment on tourists' active loyalty: A case study of Tabriz Historic Bazaar Complex. *Journal of Spatial Planning*, 9(1), 25-44. (In Persian)
- Hashempour, R., Zarei, F., Ahani, S., and Kakavand, E. (2017). Comparative assessment of social investment in neighborhoods by AHP method Case study: Qazvin city. *Journal of Urban Environmental Planning*, 10(36), 25-46. (In Persian)
- Hataminejad, H., Habibian, B., Oshnooi, A., & Khavarian, A. R. (2014). The Assessment and explanation of place attachment's dimensions to BabaAfzal Street of Kashan. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 2(2), 65-77. (In Persian)
- Heidari, A. A., Moradian, S., & Teimoori, P. (2016). Evaluation of Place Attachment Rate in Home, Neighborhood and Urban (Case Study: Shiraz City, Iran). *International Journal of Architecture and Urban Development*, 6(4), 33-42.
- Hudson, K. (2021). *Place Attachment and Locus of Control*.
- Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2001). Sense of place as an attitude: Lakeshore owners attitudes toward their properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21(3), 233-248.
- Karimimoshaver, M., and Nikookhooy, M. (2018). The Role of Physical Factors Affecting the Neighborhood Attachment Based on Perceived Residential Environment Quality's Indicator, Case Study: Joolan Neighborhood in Hamedan. *Journal of Armanshahr Architecture and Urban Planning*, 11(23), 75-84. (In Persian)
- Kim, J., Cho, H., Kim, J., Ko, H., & Yun, Y. H. (2017). Place attachment and an old apartment complex: focusing on the urban redevelopment site in Seoul. In *UIA 2017 Seoul World Architects Congress*.
- Krstić, I. I., Ilić, A., & Avramović, D. (2018). The three dimensions of sustainable development: environment, economy and society. udk: 502.131.1 *Conference paper*. PP,197-202.
- Mafi, E., & Abdoulahzadeh, M. (2017). Assessment of Social sustainability in Mashhad Metropolis. *Journal of Urban Ecology Research*, 8(15), 65-78. (In Persian)
- Mahmoodi, S., Yasouri, M., & Emami, S. F. (2018). A Spatial-Location Analysis of the Factors Affecting Place Attachment (Case Study: Kurdish Villages, Rahmatabad and Bokat Districts, Rudbar County). *Journal of Research and Rural Planning*, 7(3), 61-82.
- McKenzie, S. (2004). Social sustainability: Towards some definitions. *Hawke Research Institute Working Paper Series*, 27, 1-31.
- Michael, Y. M. A. K., & Peacock, C. J. (2011). Social sustainability: A comparison of case studies in UK, USA and Australia. *17th Pacific Rim Real Estate Society Conference*, Gold Coast ,16-19.
- Prayag, G., & Ryan, C. (2012). Antecedents of tourists' loyalty to Mauritius: The role and influence of destination image, place attachment, personal involvement, and satisfaction. *Journal of Travel Research*, 51(3), 342-356.
- Rahimi, L., Rafieian, M., & Bagheri, M. (2017). Evaluation the Impacts of Spatial Scale on the Residents' Attachment to Place in Central Neighborhoods (Tabriz City). *Journal of Architecture and Urban Plannig*, 9(18), 43-58. (In Persian)
- Rakeebonab, N., Haghghatian, M., & Jahanbakhsh, E. (2018). Sociological Explanation of Social Sustainability in Tabriz Localities. *Journal of Research and Urban Planning*, 8(31), 63-82. (In Persian)
- Raymond, C. M., Brown, G., & Robinson, G. M. (2011). The influence of place attachment, and moral and normative concerns on the conservation of native vegetation: A test of two behavioural models. *Journal of Environmental Psychology*, 31(4), 323-335.

- Salimi, N., Nastaran, M., & Abadi, A. Z., (2013). Social Sustainability, an Analysis of International Approache. *Journal of Social Issues & Humanities*, 1(3), 126-136.
- Saraei, M. H., Omidvar, K., & Alizadeh Shuraki, Y. (2013). Analyzing and Measuring the Economical-Social Indices of Sustainable Development Within Localities of Historical Meybod City. *Journal of Geographical Researches*, 28(1), 177-203. (In Persian)
- SFSO Swiss Federal Statistical Office. (2002). *Measuring Sustainable Development*, SFSO Publisher.
- Tavana, M., & Nourian, F., (2016). Assessment of Social Sustainability in Sprawl Urban Neighborhoods (Case Study: Shadabad, Tehran). *Journal of Human Geography Research Quarterly*, 49(4), 885-900. (In Persian)
- Thin, N., Lockhart, C., & Yaron, G. (2002). Conceptualising socially sustainable development. *Paper prepared for DFID and the World Bank*. DFID. Mimeo.
- Vallance, S., Perkins, H. C., & Dixon, J. E. (2011). What is social sustainability? A clarification of concepts. *Geoforum*, 42(3), 342-348.
- Van der Graaf, P. (2009). Out of place? *Emotional ties to the neighbourhood in urban renewal in the Netherlands and the United Kingdom*. Amsterdam University Press.
- Wallis, A. (2020). No place like home: The role of place attachment in increasing individual preparedness for natural hazard events. Doctoral Theses. Victoria University of Wellington.
- Weingaertner, C., & Moberg, Å. (2014). Exploring social sustainability: Learning from perspectives on urban development and companies and products. *Sustainable Development*, 22(2), 122-133.
- Widok, A. H. (2009). Social Sustainability: Theories, Concepts, Practicability. *EnviroInfo*, 2, 43-51.
- Woodcraft, S. (2015). Understanding and measuring social sustainability. *Journal of Urban Regeneration & Renewal*, 8(2), 133-144.
- Zamani, B., & Honarvar, M., (2016). Evaluation of factors affecting spatial attachment in urban areas using network analysis process. *Journal of Urban Sociological Studies*, 6(20), 131-156. (In Persian)
- Zanganeh, M., Baniasad, T., and Khavari, A. (2020). Evaluation of social stability in the new towns (Case Study: Town Mehregan in Mashhad). *Journal of Urban Structure and Function Studies*, 7(22), 113-129. (In Persian)